

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب زاد المعاد ناقص الاخر

مؤلف متن علامه مجلسی محمد باقر بن محمد تقی محشی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر قرن ۱۱ نوع خط نستعلیق و نسخ تعداد سطر ۲۲ سطری

جزء کتب ادعیه زبان فارسی عدد اوراق ۱۷۸ ورق

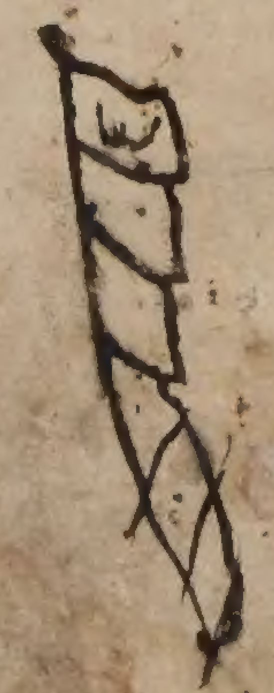
طول ۲۸/۵ عرض ۱۶ شماره عمومی ۲۶۹۴۷

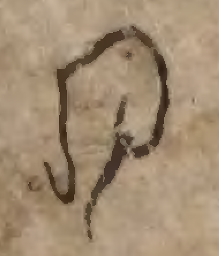
وقفی / خریداری .... تاریخ .... وقف / خریداری

ملاحظات ....

۷۰/۲/۲۵

۱۸۰





و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از و طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزهٔ کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و سایر جوارح او از آنچه بر و حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها بتشنگی بشب رسانید و در شبها خود را به انداخت برای بندگی تو و تصدق بر فقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار به بندگان تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها پیرامون محرمات تو نگردیده و نیکو بندهٔ بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه خدای بتحفهای و کرامتها و او را بر شتران و اسبان از نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و هرگز اثر تعب نمی‌باشد و از عذاب ایمن میکرداند و مشقت حساب بر ایشان نیست و ایضاً از آنحضرت منقول است که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بآن نمیرسد و قتال در ین ماه با کافران حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست کسیکه یکروز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست از آن روزه دار بهشت از برای او واجب گردد و ایضاً فرمود

او کشوده شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدای او را حساب آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدای خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود رسیدم و چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسیدند که آیا روزه گرفته در ین ماه گفتم نه و الله ای فرزند رسول خدای فرمود که آن قدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدای کسی نمیداند بدرستی که این ماهیست که خدای آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی ماندهٔ این ماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران فایز میگردم فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد خدای او را [illegible] از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از [illegible] روزه دارد بر صراط بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه روزه بدارد [illegible] از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات [illegible] را با و عطا کند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت [illegible] هر که یکروز از اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه بدارد [illegible] گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و هر که یکشب این ماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در هفتاد هزار گناهکار [illegible] این ماه تصدق از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند با و عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجا یند رجبیون پس گروهی برخیزند که روهای

ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلّل باشد
تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یکی از ایشان هزار ملک بوده باشد. از جانب راست
و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد کرامتهای حق تعالی ترا ای بنده خدا پس
خداوند رحمن ندا کند ایشانرا که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد
میکنم که شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و بدهم بشما
بهشت غرفهای که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو منزلیست
مزد کارکنان از برای من الی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتید از برای من در ماهی
که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان
مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که اینهمه ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه
مبارک رجب را روزه دارد اگرچه یکروز باشد از اولش یا میانش یا آخرش ۵ و بسند معتبر
از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که یکروز اول ماه رجب روزه دارد
حق تعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که [illegible] ز از آن روز [illegible] بدارد خدا
بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود گرداند و هر که [illegible] ز از ان ر
خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند در قیامت
هفت روز از ان روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای او گشو
تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از ان را روزه بدارد هشت در بهشت [illegible]
روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از ان روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی طلبد
برآورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه روزه
بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد
گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث درین باب بسیار است
و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالیست که از روزه [illegible] باشد یا
بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد ۵ در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه

مستحب است یکدرهم تصدق کند موافق رزهای این زمانها تقریبا هفتاد دینار بوده باشد
و بروایتی دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم شاه است
و طعام صد درهم کهنه کافیست ۵ در روایتی در خصوص روزه ماه مبارک رجب یک گرده نان
نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و اگرچه قادر بر روزه باشد حمل کرده اند بر کسی
که پریشان و قادر بر درهم و مد نباشد ۵ و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وارد شده است که بعوض روزه اگر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه
این تسبیحات را بخوانند تا ثواب روزه بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ
لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ
هُوَ لَهُ أَهْلٌ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ ۵ و در روایت معتبره وارد شده
است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی
حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است
هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکساله روزه است
و نیز از روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و آدمی را بی رخصت
پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر
میشود که خوب نیست و مشهور میان علماء آنست که روزه سنت مملوک بدون اذن
مالک باطلست [illegible] همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر
و مادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست
و بعضی گفته اند بی رخصت پدر باطل است و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه
سنت ندارد و روزه مهمان بدون رخصت مهماندار نیز خلافست و احوط آنست
که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارند اگرچه اظهر آنست که
مکروه است **فصل سیم** در بیان اعمال هر شب و هر روز است ۵ بسند معتبر منقول است
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا خواندند و علماء ذکر
کرده اند که هر روز سنت است خواندن یَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ

القدوس العزيز الحكيم
هو الذي بعث في الأميين
رسولا منهم يتلوا عليهم
آياته ويزكيهم ويعلمهم
الكتاب والحكمة وإن كانوا
من قبل لفي ضلال مبين
وآخرين منهم لما يلحقوا
بهم وهو العزيز الحكيم
ذلك فضل الله يؤتيه

شفاعت از ایشان داشته باشد و حال آنکه فرمودند که بدترین احوال مردم در روز قیامت
وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت
صادق عم فرمودند که من بگیرم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همهٔ اهل مدینه
بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول
فرمود که هر که احسانی با احدی از اهل بیت من کند مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر
علماء برآنند که اگر صاحب مال خود حصهٔ امام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه
دستش بعالم محدث عادل نرسد و بگمان فقیر همه خمس این حکم دارد در بیان
فضیلت و کیفیت اعتکاف است اعتکاف مکث است در مسجد جامع جهة عبادت و آن مؤکد است
بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دههٔ آخر ماه رمضان چنانکه حضرت سید المرسلین ص
همیشه در دههٔ آخر ماه اعتکاف مینمودند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال
بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سالی گذشته و ده روز ادای آن و از
حضرت ص و آله منقولست که اعتکاف دههٔ آخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف
بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بنذر واجب شده
باشد دو نکرده بنشیند احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند و بعضی گفته اند بعد از نیت و شروع ازل
واجب میشود و بعضی گفته اند روز سیم واجب میشود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم
و پانزدهم و هرچه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته مطلق واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب
بعوانها بد و این قول قوی است و احوط آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت
بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند با پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض
شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع
باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی درین مضایقه کرده اند و ظاهرا عارض و مانع
اعم از عذر ضروری و غیر ضروریست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت
اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب

شفاعت از ایشان داشته باشد و حال آنکه فرمودند که بدترین احوال مردم در روز قیامت
وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت
صادق ع فرمود که من یکدرهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همهٔ اهل مدینه
بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول ص
فرمود که هر که احسانی باحدی از اهل بیت من مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر
علماء برانند که اگر صاحب مال خود حصهٔ امام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه
دستش بعالم مجتهد عادل نرسد و بگمان فقیر همه خمس اینحکم دارد در بیان
فضیلت و کیفیت اعتکاف است اعتکاف ملکی است در مسجد جامع جهة عبادت و آن مؤکد است
بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصاً در دههٔ آخر ماه رمضان چنانکه حضرت [illegible]
همیشه در دههٔ آخر ماه اعتکاف مینم [illegible]
بعد از آن بیست روز [illegible]
حضرت ص و آله منقول است [illegible]
بنذر و شبه آن مانند عهد [illegible]
باشد و نکرده بش احوط آنست که [illegible]
واجب میشود و بعضی گفته اند [illegible] هم و دو لازم هم
و یا نزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب
بعمل نیاید و این قول قوی است و احوط آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت
بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض
شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر بعضی آنست که جایز است اشتراط رجوع
باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی درین مضایقه کرده اند و ظاهرا عارض و مانع
اعم از عذر ضروری و غیر ضروریست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت
اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب

بنذر